

به نام خدا

## عبد صالح در قرآن

احمد داوری

### چکیده:

آنچه در این مقاله ذکر شده است بررسی آیاتی است که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام هستند، به همین منظور نویسنده بحث کوتاهی پیرامون جری و تطبیق ارائه نموده و سپس مهمترین آیاتی را که از باب معانی باطنی بر حضرت قائم علیه السلام تطبیق شده اند بر شمرده و در مورد هر آیه روایت‌هایی را نقل نموده است، وی در پایان نتیجه می‌گیرد که بعضی از آیات قرآن کریم از باب تعیین مصداق به حضرت مهدی علیه السلام تطبیق شده‌اند و این نفی معنای ظاهری آیه نیست.

**کلید واژگان:** قرآن، تطبیق، روایت، مهدی و قائم.

## مقدمه:

### وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرَاتِ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

قرآن کتابی است نازل شده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم<sup>۱</sup> که به آن فرقان<sup>۲</sup>، ذکر<sup>۳</sup>، تنزیل<sup>۴</sup> و کتاب<sup>۵</sup> نیز گفته می شود؛ مجموع کلمات و آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت های مختلف و پیشامدهای گوناگون به طور پراکنده نازل شده است، سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است<sup>۶</sup> و این کلمات و عبارات از هر جهت اعجاز آمیز بوده و بیانی است که از طریق وحی نازل گردیده و در مصاحف و دفاتر گردآمده و به تواتر به ما رسیده و قرآن موجود همان کلام الهی است که مردم مأمور به قرائت و عمل به مضامین آن می باشند و هیچ گونه دستبرد و تحریف و زیادت و کاستی در آن راه نیافته است<sup>۷</sup>. کتابی است که بیانی برای مردم و رهنمود و اندرزی برای پرهیزکاران<sup>۸</sup>، بینش بخش و رحمت برای قومی که یقین دارند<sup>۹</sup>، حقیقتی یقینی<sup>۱۰</sup> که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست<sup>۱۱</sup> و هیچ باطلی در آن راه ندارد<sup>۱۲</sup> و به آیینی راهبری

۱- کتاب انزلناه الیک؛ ابراهیم: ۱. و اوحی الی هذا القرآن؛ انعام: ۱۹.

۲- تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده؛ فرقان: ۱

۳- انا نحن نزلنا الذکر؛ حجر: ۹. و انزلنا الیک الذکر؛ نحل: ۴۴.

۴- و انه لتنزیل رب العالمین؛ شعراء: ۱۹۲

۵- و اذکر فی الکتاب...؛ مریم: ۵۶، ۵۴، ۴۱، ۱۶.

۶- تاریخ قرآن: ۳۱.

۷- پژوهشی در تاریخ قرآن کریم: ۲۷.

۸- هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین؛ آل عمران: ۱۳۸.

۹- هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون؛ جاثیه: ۲۰.

۱۰- و انه لحق الیقین؛ حاقه: ۵۱.

۱۱- ذلك الکتاب لا ریب فیہ؛ بقره: ۲.

۱۲- لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه؛ فصلت: ۴۲.

می‌کند که پایدارتر است<sup>۱</sup> و اگر همه موجودات گرد هم آیند تا نظیرش را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد.<sup>۲</sup>

قرآن به منظور هدایت همگان تنزل یافته‌است، همه انسان‌هایی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند، از نور رهنمود آن برخوردار خواهند شد و در فهم معارف قرآن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن، نیل به اسرار قرآن میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است که با وجود آن، بهره‌مندی از الطاف میسر نگردد، نه عربیت شرط راهیابی به حقایق قرآن است و نه عجمیت مانع رسیدن به ذخایر معرفتی آن، قرآن نذیر عالمین و هادی همه انسان‌هاست، از این رو زبان آن نیز آشنای فطرت همگان است.<sup>۳</sup> و ما می‌خواهیم بدانیم مجموعه‌ای با این توصیفات در مورد «عبد صالح» که نمونه بارز و کامل آن حضرت مهدی - روحی لتراب مقدمه الفداء- است چه نظری دارد و در چه آیاتی به آنها اشاره کرده‌است.

قرآن کریم در عین اینکه کتاب هدایت برای انسان بوده و با انسانها به زبان خود آنها سخن گفته‌است، ولی از سوی دیگر بیانگر همه معارفی است که در سعادت انسان مؤثر است. از آنجا که بیان همه معارف و شرایطی که برای سعادت بشر ضرورت دارد، در قالب الفاظ محدود قرآن میسر نیست، بخش مهمی از این معارف در قالب معانی باطنی بیان شده‌است و این معانی باطنی چون براساس قواعد عقلایی محاوره قابل دستیابی همگان نیست، تنها راه دستیابی به آن بهره‌گرفتن از بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. این معانی هرچند مقصود خداوند متعال بوده و با مفاد ظاهری آیات نیز تناسب دارد، ولی از ظاهر عبارات قرآن قابل استنباط نیستند و به همین دلیل آنها را «معانی باطنی قرآن» می‌نامند.<sup>۴</sup>

اصولا بسیاری از آیات قرآن دارای چندین معنی است، بعضی ساده برای فهم عامه مردم در هر زمان و هر مکان و بعضی عمیق برای خواص و سرانجام بعضی کاملاً عمیق برای زبده‌های خواص و یا اعصار و قرون دیگر و آینده‌های دور، در عین حال این معانی باهم منافاتی ندارد و در آن واحد در یک تعبیر پرمعنی جمع است.<sup>۵</sup> برخی نصوص برای قرآن هفت بطن و برخی دیگر هفتاد بطن قائل شده‌اند، البته مقصود از هفتاد بطن و مانند آن کثرت بطون

۱- ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم؛ اسراء: ۹.

۲- لئن اجتمعت الانس و الجن أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهیرا؛ اسراء: ۸۸.

۳- قرآن در قرآن: ۳۵۳.

۴- روش شناسی تفسیر قرآن: ۲۵۳.

۵- تفسیر نمونه ۱۸: ۴۶۱ و ۴۶۲.

است نه آنکه عدد مخصوصی در نظر باشد<sup>۱</sup> و در حقیقت این خود سلیقه اهلیت علیهم السلام است که همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می کنند، هر چند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین سلیقه و روش را صحیح می داند برای اینکه قرآن به منظور هدایت همه انسانها در همه ادوار نازل شده تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند و آنچه باید بدان متخلق گردند و آنچه باید بدان عمل کنند، هدایت کند، چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص و یک حال بخصوص نیست، آنچه را قرآن فضیلت خوانده، در همه ادوار بشریت فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند شمرده، همیشه ناپسند و زشت است ... بنابراین اگر می بینیم که در شأن نزول آیات، روایاتی آمده که مثلاً می گویند: فلان آیه بعد از فلان جریان نازل شد و یل فلان آیات در باره فلان شخص یا فلان واقعه نازل گردیده، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم، چون اگر اینطور فکر کنیم باید بعد از انقضاء آن واقعه و یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود و حال آنکه حکم آیه مطلق است<sup>۲</sup>.

وجود باطن و معنی باطنی برای قرآن، از نظر ثبوتی امری است ممکن و از نظر اثباتی نیز روایات متواتر از طریق عامه و خاصه بر آن دلالت دارد و حتی به بعضی از آیات قرآن نیز می توان بر وجود آن استدلال کرد<sup>۳</sup> و از این رو همه مفسران و صاحب نظران علوم قرآنی و سایر علوم اسلامی آن را پذیرفته اند و مورد اتفاق آنان است<sup>۴</sup>. اینک چند روایت را که وجود باطن و معانی باطنی قرآن را ثابت می کنند ذکر می کنیم:

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمودند: «ان القرآن له ظهر و بطن»<sup>۵</sup>.
۲. فی نهج البلاغه عن علی علیه السلام: «ان القرآن ظاهر انیق و باطنه عمیق»<sup>۶</sup>.
۳. عن ابی عبدالله عن آبائه علیهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه وآله: «فله ظهر و بطن فظاهره حکم و باطنه علم ظاهره انیق و باطنه عمیق»<sup>۱</sup>.

۱ - قرآن در قرآن: ۳۷۳.

۲ - ترجمه تفسیر المیزان: ۱: ۶۶ و ۶۷.

۳ - مانند آیه ۸۹ سوره نحل، بویژه بر طبق برخی از دیدگاهها در مورد جامعیت قرآن که قرآن را در بردارنده همه علوم و مظهر تمام صفات خدا می دانند.

۴ - روش شناسی تفسیر قرآن: ۲۵۴.

۵ - اصول کافی: ۱: ۳۷۱ و بصائر الدرجات: ۵۳.

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۴. عن جابر بن يزيد قال سالت ابا جعفر عليه السلام عن شيء من التفسير فاجابني ثم سألته عنه ثانية فاجابني بجواب آخر، فقلت: كنت اجبتني في هذه المسألة بجواب غير هذا، فقال: «يا جابر ان للقرآن بطنا و للبطن بطنا و له ظهر و للظهر ظهر...»<sup>۲</sup>.

۵. عن حمران بن اعين قال سالت ابا جعفر عليه السلام عن ظهر القرآن و بطنه، فقال: «ظهره الذين نزل فيهم القرآن و بطنه الذين عملوا بمثل اعمالهم يجرى فيهم ما نزل في اولئك»<sup>۳</sup>.

بار دیگر این نکته را خاطر نشان می‌کنیم که پی‌بردن به معنی باطنی قرآن مخصوص معصومین علیهم‌السلام است و پیروان راستین علمی و عملی آن ذوات نورانی به مقدار پیروی از آنان سهمی از ادراک باطن را خواهند داشت<sup>۴</sup> و وجود معانی باطنی نباید دستاویزی برای هوسبازان و منحرفان شود که آیات قرآن را هرگونه بخواهند به میل خود تفسیر کنند<sup>۵</sup>. البته ذکر معانی و مصادیق باطنی به معنای نفی معنا یا مصداق ظاهری نیست، به همین دلیل گاه در روایات هم معانی و مصادیق باطنی و هم معانی و مصادیق ظاهری ذکر شده‌است<sup>۶</sup>.

با این مقدمه به بررسی مهمترین آیاتی خواهیم پرداخت که در آن آیات به نوعی اشاره به حضرت مهدی علیه‌السلام و یارانش شده‌باشد، بی‌شک این تطبیق‌ها برگرفته از معصومین علیهم‌السلام و از معانی باطنی قرآن خواهند بود.

۱ - اصول کافی ۲: ۵۹۵.

۲ - وسائل الشیعه ۲۷: ۱۹۲.

۳ - معانی الاخبار: ۲۵۹.

۴ - رک. قرآن در قرآن، صص ۳۷۶ - ۳۷۹.

۵ - تفسیر نمونه ۱۱: ۲۶.

۶ - روش شناسی تفسیر قرآن: ۲۹۱.

## آیه اول:

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِيَكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا

بقره: ۱۴۸

هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [در یکجا گرد هم] می آورد.<sup>۱</sup>

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، جمله «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا» به اصحاب مهدی علیه السلام تفسیر شده است<sup>۲</sup> در کتاب کافی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که حضرت می فرماید: «قوله تبارک وتعالی اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا یعنی اصحاب القائم الثلاثمائة والبضعة عشر»<sup>۳</sup> و از عبدالعظیم حسنی نیز روایت شده که امام محمد تقی علیه السلام در معرفی حضرت قائم علیه السلام می فرماید: او همانم و هم کنیه با حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم است و تعداد اصحابش به تعداد اهل بدر است که از اقصی تقاطع زمین در کنارش جمع می شوند و این همان تفسیر آیه شریفه «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا» است.<sup>۴</sup> حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نیز در تفسیر آیه فوق به طور مؤکد می فرماید که اگر قائم ما قیام کند خداوند شیعیان ما را از تمام آبادیها جمع می کند<sup>۵</sup> و امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر اصحاب مهدی علیه السلام می فرماید: «المفقودون عن فرسهم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا عدّه اهل البدر فیصبحون بمکة و هو قول الله تعالی این ما تکونوا یأت بکم الله جمیعا و هم اصحاب القائم»<sup>۶</sup> و البته در کتب دیگری نیز اشاره شده است که مراد از آیه فوق اصحاب مهدی علیه السلام هستند.<sup>۷</sup>

البته بار دیگر هم تأکید می کنیم که بدون شک این تفسیر از مفاهیم «بطون» آیه است، چرا که می دانیم طبق روایات، آیات قرآن گاه معانی متعددی دارد که یک معنی، ظاهر

۱ - در ترجمه آیات، ترجمه استاد فولادوند با تغییرات مختصری مورد استفاده قرار گرفته است

۲ - تفسیر نمونه ۱: ۵۰۳.

۳ - کافی ۸: ۳۱۳.

۴ - احتجاج ۲: ۴۴۹.

۵ - عن ابن سمنه عن مولی لابی الحسن قال سالت ابا الحسن علیه السلام عن قوله «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا» قال و ذلك والله ان لو قد قام قائمنا یجمع الله الیه شیعتنا من جمیع البلدان؛ تفسیر عیاشی ۱: ۶۶.

۶ - کمال الدین ۲: ۶۵۴؛ الخرائج ۳: ۱۱۵۶؛ العدد القویة ۶۵؛ منتخب الانوار: ۳۲.

۷ - الاختصاص: ۲۵۷؛ مجمع البیان ۱: ۴۶۰؛ تفسیر صافی ۱: ۲۰۱؛ نور الثقلین ۱: ۱۳۹ و ۲: ۳۴۱؛ تفسیر الاصفی ۱: ۷۲

و ۷۳؛ تفسیر کنز الدقائق ۱: ۳۷۱؛ تفسیر جامع الجوامع ۱: ۱۶۳ و غیبت طوسی: ۱۷۳.

و همگانی و عمومی است و دیگری معنی درونی و به اصطلاح بطن آیه است که جز پیامبر و امامان علیهم السلام و کسانی که خدا بخواهد از آن آگاه نیستند!

## آیه دوم:

يَا أَيُّهَا  
الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ  
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ  
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مائده: ۵۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از دین خود برگردد به زودی خداوند گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند، [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند، این فضل خداست، آن را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خداوند گشایشگر داناست.

در روایات می‌خوانیم که آیه فوق در باره حضرت مهدی و اصحابش نازل شده است.<sup>۱</sup> در برخی از کتب تفسیری این مسأله ریشه یابی شده و علت در این دانسته شده که یاران مهدی علیه السلام با تمام قدرت در برابر آنها که از آیین حق و عدالت مرتد شده‌اند می‌ایستند و جهان را پر از ایمان و عدل و داد می‌کنند<sup>۲</sup> و در برخی کتب دیگر عبارت «فسوف یأتی» را دلیل بر انطباق آیه بر یاران امام زمان علیه السلام دانسته‌اند که نشان از آینده می‌دهد و از طرف دیگر مصداق آیه در زمان پیامبر وجود نداشته است: «وقوله فسوف یأتی الله بقوم الآیة؛ فانها نزلت فی القائم علیه السلام من آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم و یدل علی ذلك قوله «فسوف یأتی» فی المستقبل و ان المعنی به غیر موجود فی الزمن النبوی صلی الله علیه وآله وسلم بل منتظر و هو القائم المنتظر صلی الله علیه و الی آياته»<sup>۳</sup>.

۱- تفسیر نمونه: ۱: ۵۰۳.

۲- تفسیر قمی: ۱: ۱۷۰ (فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه نزلت فی القائم و اصحابه) و نیز مجمع البیان: ۳: ۴۱۷؛

تفسیر المیزان: ۷: ۲۶۴.

۳- تفسیر نمونه: ۴: ۴۱۸.

۴- تأویل الآیات: ۱۵۵.

## آیه سوم:

هُوَ الَّذِي  
 أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ  
 كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه: ۳۳؛ صف: ۹

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

مفهوم آیه فوق که با اندکی تفاوت در سوره فتح نیز تکرار شده است<sup>۱</sup> پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان است و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهانیان پیروز خواهد گشت<sup>۲</sup> و این پیروزی کامل در زمان قیام قائم علیه السلام صورت خواهد گرفت: «قال ابو جعفر عليه السلام: ان ذلك يكون عند خروج المهدي من آل محمد فلا يبقى احد الا اقر بمحمد»<sup>۳</sup> و در کتاب کافی می خوانیم: «يظهره على جميع الاديان عند قيام القائم»<sup>۴</sup>، به طور خلاصه مصداق اتم و کامل آیه در مورد قائم آل محمد صلی الله عليه وآله وسلم است که در تفسیر قمی<sup>۵</sup> و عیاشی<sup>۶</sup> به آن تأکید شده است، البته این معرفی اختصاص به ائمه اطهار علیهم السلام ندارد، بلکه دیگرانی چون سعید بن جبیر (متوفی ۹۴ یا ۹۵ هـ) نیز آیه را به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده اند: فقد قال سعید بن جبیر فی تفسیر قوله تعالی ليظهره على الدين كله و اوكره المشركون، قال: هو المهدي من عتره فاطمة<sup>۷</sup>، ولی آنچه که ائمه اطهار علیهم السلام ذکر کرده اند همچون نوشیدن آب از چشمه اصلی بوده و لذا دقیق تر بوده و خبر از وقایعی است که دیگران نیز از آنها اخذ کرده اند و در مکتب درس امامان نشسته اند، به عنوان نمونه می توان به حدیثی از امام باقر علیه السلام اشاره کرد که در باره آیه فوق می فرماید: اگر کافر یا مشرکی در داخل صخره ای نیز پنهان شود

۱- فتح: ۲۸.

۲- تفسیر نمونه ۷: ۲۷۲.

۳- مجمع البیان ۵: ۴۸؛ مناقب ۳: ۸۲.

۴- کافی ۱: ۴۳۲.

۵- فانها نزلت فی القائم من آل محمد؛ تفسیر قمی ۱: ۲۸۹.

۶- عن سماعة عن ابي عبد الله عليه السلام «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله و لو كره

المشركون» قال: اذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر الا كره خروجه؛ تفسیر عیاشی ۲: ۸۷.

۷- كشف الغمة ۲: ۴۸۹.

صخره می گوید ای مؤمن در درون من کافری مخفی شده است مرا بشکاف و او را به هلاکت برسان!

## آیه چهارم:

وَلَيْنَ أَخْرَجْنَاهُمُ الْعَذَابَ إِلَيْنَا  
أُمَّةً مَّعْدُودَةً لِّقَوْلِكَ مَا يَحْسِبُهُ، أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ  
مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

هود: ۸

و اگر عذاب را تا «امه معدوده‌ای» از آنان [= کافران] به تاخیر بیندازیم حتماً خواهند گفت چه چیز آن را باز می‌دارد؟ آگاه باش روزی که عذاب به آنها برسد از ایشان باز گشتنی نیست و آنچه را مسخره می‌کردند، آنان را فرو خواهد گرفت.

در روایات متعددی که از طرق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، «معدوده» به معنی نفرات کم و اشاره به یاران مهدی علیه السلام گرفته شده است، به این ترتیب معنی آیه نخستین چنین می‌شود: اگر ما مجازات این ستمگران و بدکاران را به قیام مهدی و یارانش واگذار کنیم، آنها می‌گویند چه چیز جلو عذاب خدا را گرفته است. <sup>۱</sup> در تفسیر مجمع البیان یکی از نظریاتی که در باره «امت معدوده» از امام باقر و صادق علیهما السلام ذکر شده است آن است که آنها اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند که سیصد و اندی نفرند، به تعداد اهل بدر که در یک ساعت همانند پاره‌های ابر پاییزی جمع می‌شوند. <sup>۲</sup>

در تفسیر عیاشی آمده است: *عن ابان بن مسافر عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله «و لئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة» يعني عدة كعدة بدر<sup>۳</sup> و باز می‌خوانیم: *عن الحسين عن**

۱- قال ابو جعفر عليه السلام في قوله عزو جل «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون» فقال: والله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام فاذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالامام الا كره خروجه حتى لو كان كافراً او مشركاً في بطن صخرة لقاتل يا مؤمن في بطني كافر فانشرنى و اقتله؛ العدد القوية: ۶۹.

۲- تفسیر نمونه ۹: ۳۲.

۳- اصل عبارت «ثلاثمائة و بضعة عشر» است که بضعة در زبان عربی اعداد بین ۳ تا ۹ را گویند.

۴- مجمع البیان ۸: ۲۷۱.

۵- تفسیر عیاشی ۲: ۱۴۰.

الخراز عن ابی عبدالله علیه السلام «و لئن اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده» قال: هو القائم و اصحابه. <sup>۱</sup> از حضرت علی علیه السلام نیز روایت شده که حضرت فرمودند: «امه معدوده اصحاب القائم الثلاثمائه و البضعه عشر» <sup>۲</sup> و در کتاب غیبت نعمانی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می خوانیم «عذاب» خروج قائم علیه السلام و «امه معدوده» به تعداد اصحاب بدر است. <sup>۳</sup>

## آیه پنجم:

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ

هود: ۸۰

[لوط] گفت: کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم، یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم.

در تفسیر قمی و عیاشی در روایتی از امام صادق علیه السلام «القوة» به امام قائم علیه السلام و «رکن شدید» به ۳۱۳ نفر یاران حضرت تفسیر شده است <sup>۴</sup> و در روایتی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «القوة القائم و الرکن الشدید ثلاثمائه و ثلاثه عشر یعنی الدین یخرجون مع القائم علیه السلام». <sup>۵</sup> در کتاب کمال الدین با ذکر سند، توضیح بیشتری ذکر شده است که حضرت لوط علیه السلام آرزو می کرد قدرت حضرت قائم علیه السلام و شدت اصحابش را می داشت. <sup>۶</sup>

این روایت ها ممکن است عجیب به نظر برسد که چگونه می توان باور کرد لوط در عصر خودش آرزوی چنین شخصی با چنین یارانی را کرده باشد؛ ولی آشنایی با روایاتی که در تفسیر آیات قرآن تاکنون وارد شده است تاکنون این درس را به ما داده است که غالباً یک قانون کلی را در چهره یک مصداق روشنش بیان می کند، در واقع لوط آرزو می کرد که ای کاش مردانی مصمم با قدرت روحی و جسمی کافی برای تشکیل یک حکومت الهی همانند

۱- تفسیر عیاشی ۲: ۱۴۱.

۲- تفسیر قمی ۱: ۳۲۳؛ بحار الانوار ۵۱: ۴۵.

۳- غیبة نعمانی: ۲۴۱.

۴- «القوة» القائم علیه السلام و «الرکن الشدید» ثلاثمائه و ثلاثة عشر؛ تفسیر قمی ۱: ۳۳۵؛ تفسیر عیاشی ۲: ۱۵۶ و ر.ک. بحار الانوار ۱۲: ۱۵۸.

۵- القصص: ۱۳۶.

۶- کمال الدین ۲: ۶۷۳.

مردانی که حکومت جهانی عصر قیام مهدی علیه السلام را تشکیل می دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید و اینگونه افراد خیره سر بی شرم را در هم بکوبد.<sup>۱</sup>

## آیه ششم:

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

هود: ۸۶

اگر مؤمن باشید باقیمانده خدا برای شما بهتر است

آیه مورد بحث خطاب به قوم شعیب علیه السلام است و منظورش این است که سود و سرمایه حلال برای شما بهتر است، ولی یکی از معانی باطنی «بقیت الله» در روایات، حضرت مهدی علیه السلام است، حضرت صادق علیه السلام فرمودند که حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور اولین کلمه ای که بر زبان می آورد، آیه فوق است و سپس می گوید: من بقیت الله در روی زمین هستم: اول ما یُنطق به هذه الآية بقیت الله خیر لکم ان کنتم مومنین، ثم یقول انا بقیت الله فی ارضه.<sup>۲</sup> و باز حضرت در جواب کسی که پرسیده بود چگونه به حضرت مهدی علیه السلام سلام بکنیم؟ فرمودند: تقول السلام علیک یا بقیة الله.<sup>۳</sup>

## آیه هفتم:

وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِنَا اللَّهُ

ابراهیم: ۵

و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.

در تفاسیر آمده که منظور از ایام الله، روز خروج قائم علیه السلام و روز رجعت و روز قیامت است.<sup>۴</sup> در جمع میان این روزها در تفسیر نمونه می خوانیم: هر روز که فصل تازه ای در زندگی انسانها گشوده و درس عبرتی به آنها داده و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده، یا

۱- تفسیر نمونه ۹: ۱۸۵.

۲- بحار الانوار ۵۲: ۱۵۱ و رک. اعلام الوری: ۴۶۳.

۳- وسائل الشیعه ۱۴: ۶۰۱.

۴- تفسیر قمی ۱: ۳۶۷؛ و خصال: ۱۰۸.

طاغوت و فرعون گردنکشی در آن به قعر دره نیستی فرستاده شده، خلاصه هر روز که حق و عدالتی برپا شده و ظلم و بدعتی خاموش گشته، همه آنها ایام الله است<sup>۱</sup>، علامه طباطبایی نیز اتحاد این سه روز بر حسب حقیقت و اختلاف آنها از نظر مراتب ظهور را علت این اختلاف تفاسیر دانسته است<sup>۲</sup>. در هر صورت یکی از مصادیق بارز «ایام الله» روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

## آیه هشتم:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

اسراء: ۸۱

حق آمد و باطل نابود شد، آری باطل نابود شدنی است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت در باره آیه فوق فرمود: زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می شود؛ (اذا قام القائم علیه السلام ذهب دولت الباطل)<sup>۳</sup>، در روایت دیگری می خوانیم که در موقع ولادت حضرت، بر بازوی راستش آیه فوق نقش بسته بود: و علی ذراعه الایمن مکتوب جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل کان زهوقاً<sup>۴</sup>.

آیه فوق که خیر از یک قانون کلی الهی و ناموس تخلف ناپذیر آفرینش می دهد و در هر عصر و زمانی مصداقی دارد و قیام مهدی علیه السلام ارواحنا له الفداء بر ستمگران و جباران جهان از چهره های روشن و تابناک این قانون عمومی است<sup>۵</sup>.

۱- تفسیر نمونه ۱۰: ۲۷۲.

۲- تفسیر المیزان ۲: ۱۰۸.

۳- کافی ۸: ۲۸۷.

۴- الخرائج ۱: ۴۵۷؛ الصراط المستقیم ۲: ۲۰۹؛ غیبت طوسی ۲۳۹؛ کشف الغمّة ۲: ۴۹۸.

۵- تفسیر نمونه ۱۲: ۲۳۴.

## آیه نهم:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

انبیاء: ۱۰۵

و در زبور بعد از «ذکر» نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد.

در مجمع‌البیان از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که منظور از «عبادی الصالحون» اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام در آخر الزمان هستند، طبری به حدیث دیگری از پیامبر اشاره کرده که حضرت فرمودند: اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا خداوند صالحی از اهل بیت مرا برانگیزد تا زمین را همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است، پر از عدل و داد کند.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از همان امام منظور از «عبادی الصالحون» آل محمد علیهم‌السلام معرفی شده اند که امام زمان علیه‌السلام را نیز شامل می‌شود: قال قوله عز وجل أن الارض يرثها عبادی الصالحون هم آل محمد صلوات الله عليهم<sup>۲</sup>. و در تفسیر قمی منظور از آیه فوق را حضرت قائم علیه‌السلام و اصحابش دانسته است.<sup>۳</sup>

۱- مجمع البیان ۷: ۱۲۷.

۲- بحار الانوار ۲۴: ۳۵۸.

۳- أن الارض يرثها عبادی الصالحون قال القائم علیه السلام و اصحابه؛ تفسیر قمی ۲: ۷۷.

## آیه دهم:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَخَامُوا الصَّلَاةَ  
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

حج: ۴۱

کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز اقامه می‌کنند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

در بعضی از روایات منظور از این افراد «اهل بیت علیهم السلام» به طور عموم معرفی شده‌اند، در المناقب از امام کاظم و امام حسین علیهما السلام در باره این آیه نقل شده‌است که «هَذَا فِينَا اهل البيت»<sup>۱</sup> و باز از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل شده‌است که فرمودند: ما همان افراد هستیم<sup>۲</sup> و در تفسیر فرات نیز مطلب مشابهی وجود دارد.<sup>۳</sup> در روایات دیگری منظور از این افراد به طور خاص حضرت قائم علیه السلام و اصحابش معرفی شده‌اند، در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: آیه فوق در باره آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم و در باره مهدی علیه السلام و اصحابش است که خداوند زمین را تحت حکومت آنها در می‌آورد و به وسیله وی و اصحابش زمین حق را پیروز می‌گرداند و بدعت‌ها را از دین می‌زداید.<sup>۴</sup> در روایت دیگری از زید بن علی علیه السلام خبری از روز ظهور می‌خوانیم که حضرت هنگام ظهور میفرماید: ای مردم ما همان کسانی هستیم که خداوند در قرآن در باره آنها وعده داده که اگر در زمین به آنها توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر مینمایند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ

۱- المناقب: ۴: ۴۷.

۲- حرمان بن اعین عن ابی جعفر علیه السلام و ابو الصباح عن ابی عبدالله علیه السلام قالوا: نحن هم؛ المناقب: ۴: ۴۲۱ و بحار الانوار: ۲۴: ۱۶۴.

۳- تفسیر فرات: ۲۷۳.

۴- و هذه الآية لآل محمد علیه السلام الى آخر الآية و المهدي و اصحابه يملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و يظهر الدين و يميت الله به و باصحابه البدع الباطل كما امانت السفه الحق حتى لا يرى اثر الظلم؛ تفسیر قمی: ۲: ۸۷ و بحار الانوار: ۲۴: ۱۶۵.

الذین إن مکنهم فی الأرض أقاموا الصلوة وءاتوا الزکوة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور<sup>۱</sup>.

## آیه یازدهم:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنِي لَا يُشْرِكُوْنَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ

نور: ۵۵

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده‌است که حتما آنها را در زمین جانشین [خود] قرار دهد، همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داده و آن دینی را که برایشان پسندیده‌بود به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل نماید [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس بعد از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

در روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده‌است این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام تفسیر و تطبیق شده‌است؛ در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه مورد بحث می‌خوانیم: *والمروى عن اهل البيت عليهم السلام انها فى المهدى من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم*<sup>۲</sup>. در حدیث دیگری که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌است، حضرت در معنای آیه فوق فرمودند: آیه در باره حضرت قائم علیه السلام و اصحابش نازل شده‌است<sup>۳</sup> و اگرچه در روایت دیگری از همان امام آیه در باره ائمه علیهم السلام به صورت

۱- تفسیر فرات: ۲۷۴ و شواهد التنزیل: ۱: ۵۲۳.

۲- مجمع البیان: ۷: ۲۸۵.

۳- قال: نزلت فى القائم و اصحابه؛ غیبت نعمانی: ۲۴۰.

کلی تطبیق شده است<sup>۱</sup> ولی مصداق اتم و کامل آیه حضرت مهدی علیه السلام است، همانطور که در تفاسیر و کتب زیادی به آن اشاره شده است.<sup>۲</sup>

## آیه دوازدهم:

إِنْ نَّشَأُنُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ  
شعراء: ۴

اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان [=مشرکان] فرود می‌آوریم تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد.

در روایاتی که مصداقی از این آیه را ارائه کرده‌اند، امام مهدی علیه السلام به عنوان کسی که همه مشرکان را مجبور به تسلیم در برابر پروردگار می‌کند معرفی شده است، به چند مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. الحسن بن زیاد الصیقل قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول إن القائمنا لا يقوم حتى ينادى من السماء تخشع له الرقاب تسمع الفتاة في خدرها و يسمع به اهل المشرق و المغرب.<sup>۳</sup>
۲. ضان بن سدیر عن ابی جعفر عليه السلام قال سألته عن قول الله عزوجل إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين. قال نزلت في قائم آل محمد صلى الله عليه وآله ينادى باسمه من السماء.<sup>۴</sup>
۳. علی بن لباہیم عن ابیه عن علی بن الحسین بن خالد قال قال الرضا عليه السلام: ... [القائمنا] الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله به الارض من كل جور و يقدها من كل ظلم و هو الذي يشك الناس في ولادته و هو صاحب الغيبة قبل خروجه فاذا خرجت اشرفت الرض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم احد احدا و هو الذي تطوى له الارض و لا يكون له ظل و هو الذي

۱- عن عبدالله بن سنان قال سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل: وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم، قال هم الاتمه؛ کافی: ۱: ۱۹۳.

۲- غيبت طوسی: ۱۷۳؛ تفسیر قمی: ۱: ۱۳؛ تفسیر فرات: ۲۸۸؛ تاویل الآيات: ۵۹۶؛ الصراط المستقیم: ۲: ۲۶۱.

۳- منتخب الانوار: ۱۸.

۴- تاویل الآيات: ۳۸۳ و بحار الانوار: ۵۲: ۲۸۴.

ينادى مناد من السماء باسمه يسمعه جميع اهل الارض بادعاء اليه الا ان الحجّة  
الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فان الحق معه وفيه و هو قول الله عزوجل إن  
نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين.<sup>۱</sup>

## آیه سیزدهم:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ  
وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

نمل: ۶۲

کیست آن کس که درمانده را - چون وی بخواند - اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟

آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که یکی از مصداق‌های روشن آن وجود مهدی علیه السلام است که در آن زمان که همه جا را فساد گرفته باشد، درها بسته شده، کارد به استخوان رسیده، بشریت در بن بست سختی قرار گرفته و حالت اضطرار در کل عالم نمایان است، در آن هنگام در مقدس‌ترین نقطه روی زمین دست به دعا برمی دارد و تقاضای کشف سوء می کند و خداوند این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می دهد و به مصداق «یجعلکم خلفاء الارض» او و یارانش را خلفای روی زمین قرار می دهد.<sup>۲</sup> در این باره روایاتی نیز به ما رسیده است، از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: به خدا قسم مهدی علیه السلام «مضطر» است<sup>۳</sup> و باز آن حضرت در باره این آیه تفسیری وارد شده است که حضرت فرمودند: «هذا نزلت فی القائم علیه السلام اذا خرج تعمم و صلی عند المقام و تضرع الی ربه فلا ترد له رایة ابدا»<sup>۴</sup> و درباره ظهور حضرت در مکه، امام صادق علیه السلام می فرماید: «إن القائم علیه السلام اذا خرج دخل المسجد الحرام فیستقبل الکعبة و يجعل ظهره الی مقام ثم یصلی رکعتین ثم یقوم فیقول یا ایها الناس انا اولی الناس بآدم یا ایها الناس انا اولی الناس

۱- اعلام الوری: ۴۳۴؛ کشف الغمة ۲: ۵۲۴ و کفاية الاثر: ۲۷۴ و ۲۷۵.

۲- تفسیر نمونه ۱۵: ۵۲۲.

۳- قال ابو جعفر علیه السلام: هو والله المضطر فی کتاب الله و هو قول الله عزوجل «أمن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الأرض»؛ تفسیر عیاشی ۲: ۵۶ و ۵۷ و نیز رک. تفسیر القمی ۲: ۲۰۴ و غیبة نعمانی: ۱۸۱.

۴- بحار الانوار ۵۱: ۵۹.

بابراهيم يا ايها الناس انا اولى الناس باسما عيل يا ايها الناس انا اولى الناس بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم ثم يرفع يديه الى السماء فيدعوا و يتضرع حتى يقع على وجهه و هو قوله عزوجل آمن يحيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الأرض أ إله مع الله قليلا ما تذكرون»!

## آیه چهاردهم:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا  
فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قصص: ۵

و خواستیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه فرموده اند: «تعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها» و تلا عقیب ذلك ونريد أن نمُن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين<sup>۱</sup>. یعنی دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند همچون شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد، حضرت در ادامه آیه اخیر را تلاوت کردند. البته در حدیث دیگری عبارت مشابهی نیز دارد که می فرمایند: «المستضعفون في الأرض المدكورون في كتاب الله يجعلهم الله ائمة نحن اهل البيت يبعث الله مهديهم فيعزهم و يذل عدوهم»<sup>۲</sup>. و نیز: «هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذل عدوهم»<sup>۳</sup>. نکته جالب اینکه حکیمه خاتون نقل می کند حضرت مهدی علیه السلام بعد از تولدش آیه فوق را تلاوت فرمودند (قالت حكيمه: قرأت على امه نرجس وقت ولادته التوحيد و القدر و آية الكرسي فاجابني من بطنها بقرايتي ثم وضعته ساجدا الى القبلة فاخذ ابوه و قال انطق باذن الله فتعود و سمى و قرأ و نريد أن نمُن على الذين استضعفوا في الأرض الآيتين)<sup>۴</sup>.

۱- تاویل الآيات: ۳۹۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۳- منتخب الانوار: ۱۷.

۴- غیبت طوسی: ۱۸۴.

۵- الصراط المستقیم ۲: ۲۰۹ و نیز رک. غیبت طوسی: ۲۳۷ و کمال الدین ۲: ۴۲۴.

## آیه پانزدهم:

وَلَمَنْ أَنْصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَاعَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ

شوری: ۴۱

و هر که بعد از ستم دیدن خود یاری جوید [و انتقام بگیرد]، راه نکوهشی بر ایشان نیست. در روایاتی که خبر از بن آیه داده‌اند، آیه فوق به قیام حضرت مهدی علیه‌السلام و انتقامش از مفسدان تطبیق شده‌است. در تفسیر فرات از امام باقر علیه‌السلام در باره آیه فوق می‌خوانیم که زمانی که قائم علیه‌السلام قیام نماید از بنی‌امیه و مکذبین و ناصبی‌ها انتقام می‌گیرد: *عن ابی جعفر علیه‌السلام فی قوله و لمن انتصر بعد ظلمه قال القائم و اصحابه قال الله تعالی فاولئك ما علیهم من سبیل قال القائم اذا قام انتصر من بنی امیه و المکذبین و النصاب!* روایت مشابهی نیز ابو حمزه ثمالی از همان امام نقل کرده است.<sup>۱</sup>

## آیه شانزدهم:

اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها

حدید: ۱۷

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند.

در بیان مصادیقی از زنده شدن زمین، این مورد نیز ذکر شده‌است که قائم علیه‌السلام زمین را که پر از کفر شده‌است به زمینی تبدیل می‌کند که پر از نور خدا و یکتاپرستی است، همچنانکه از امام باقر علیه‌السلام نقل شده‌است: *عن سلام بن المستنیر عن ابی جعفر علیه‌السلام فی قول الله عزوجل اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها قال يحييها الله عزوجل بالقائم علیه‌السلام بعد موتها بموتها كفر اهلها و الكافر ميت*<sup>۲</sup>. نکته جالب اینکه ابن عباس نیز در تفسیر آیه، اشاره به اصلاح زمین توسط قائم آل محمد می‌کند، روایت مزبور چنین است: *عن ابن عباس فی قوله تعالی اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها قال يصلح الله الارض بقائم آل محمد بعد موتها یعنی بعد جور اهل مملکتها*<sup>۳</sup>. البته شاگردی ابن عباس در تفسیر قرآن کریم

۱- تفسیر فرات: ۳۹۹ و نیز ر.ک. بحار الانوار: ۲۴: ۲۲۹ و تاویل الآیات: ۵۳۴.

۲- تفسیر قمی ۲: ۲۷۸.

۳- کمال‌الدین ۲: ۶۶۸ و ر.ک. العدد القویة: ۶۹ و بحار الانوار: ۲۴: ۳۲۵.

۴- غیبت طوسی: ۱۷۳ و بحار الانوار: ۵۱: ۶۳.

نزد علی بن ابیطالب علیه السلام مطلبی است که خود ابن عباس بارها بدان تصریح و یا اشاره کرده است، چنانکه گفته است: ما اخذت من تفسیر القرآن فعن علی بن ابیطالب: آنچه از تفسیر قرآن دریافت نمودم از علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۱</sup>

## آیه هفدهم:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ

ملک: ۳۰

بگو: به من خبر دهید اگر آب شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟

در روایاتی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، آیه اخیر به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عدل جهان گستر او تفسیر شده است<sup>۲</sup>، چنانکه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این باره به عمار می فرماید: «یا عمار إن الله تبارک و تعالی عهد الی انه خرج من صلب الحسین تسعة و التاسع من ولده یغیب عنهم و ذلک قوله عزوجل قل أ رأیتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین یكون له غیبة طویلة یرجع عنهم قوم و یثبت علیها آخرون فاذا کان فی آخر الزمان یرجف فیما الدنیا قسطا و عدلا»<sup>۳</sup>. از امام باقر علیه السلام نیز روایت‌هایی با اندکی تفاوت، نقل شده است که حضرت فرمودند: اگر امامتان از شما غیبت کند چه خواهید کرد؟ روایت چنین است:

عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام فی قول الله تعالی قل أ رأیتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین قال نزلت فی الامام فقال ان اصبح امامکم غائبا عنکم فمن یأتیکم یا امام ظاهر یأتیکم باخبار السماء و الارض و بحلال اللهد تعالی و حرامه ثم قال أما والله ما جاء تأویل هذه الآیة و لا بد ان یجیء تأویلها<sup>۴</sup>.

از امام کاظم علیه السلام نیز روایت مشابهی نقل شده است که آیه را چنین معنی می کند: اذا غاب عنکم امامکم فمن یأتیکم بامام جدید<sup>۵</sup>.

۱- تاریخ تفسیر قرآن کریم: ۵۶.

۲- تفسیر نمونه ۲۴: ۳۵۹.

۳- کفایة الاثر: ۱۲۰.

۴- غیبت طوسی: ۱۵۸ و کمال الدین ۱: ۳۲۵ (با اندکی تفاوت).

۵- کافی ۱: ۳۳۹ و رک. کمال الدین ۲: ۳۵۱؛ غیبت نعمانی: ۱۷۶ و بحار الانوار ۲۴: ۱۰۰.

## آیه هیجدهم:

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ  
مَنْ أضعفُ ناصراً وَاقلُّ عدداً

جن: ۲۴

تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، نگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدامیک شماره‌اش کمتر است.

این آیه در روایات متعددی به ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام تفسیر شده‌است، در اصول کافی در این باره می‌خوانیم: *حتى اذا راوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصرا و اقل عددا يعن بلك القائم و انصاره*<sup>۱</sup> و در تفسیر قمی می‌خوانیم: *عن ابی الحسن الرضا علیه‌السلام قال: ... قوله حتى اذا راوا ما يوعدون قال القائم و امير المؤمنين عليهما السلام في الرجعة فسيعلمون من اضعف ناصرا و اقل عددا*<sup>۲</sup>.

## آیه نوزدهم:

وَالْفَجْرِ

فجر: ۱

سوگند به سپیده دم.

در تفاسیر مصادیق فراوانی از «فجر» ارائه شده‌است که درخشیدن سپیده صبح قیام مهدی علیه‌السلام به هنگام فرو رفتن جهان در تاریکی و ظلمت و ظلم و ستم، مصداقی از آن به شمار می‌آید<sup>۳</sup> که در روایات به آن اشاره شده‌است، به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌خوانیم: *والفجر هو القائم علیه‌السلام و الیالی العشر الاثمه من الحسن الی الحسن...<sup>۴</sup> و باز از آن حضرت می‌خوانیم: والفجر هو القائم و الیالی لعشر الاثمه علیهما السلام من الحسن الی الحسن و الشفع امیر المؤمنین و فاطمه علیهما السلام و الوتر هو الله*

۱- کافی: ۱: ۴۳۴.

۲- تفسیر قمی: ۲: ۳۹۱.

۳- تفسیر نمونه: ۲۶: ۴۴۲.

۴- تاویل الآیات: ۷۶۶.

وحده لا شريك له و اللیل اذا یسر هی دولة حبر فہی تسری الی قیام القائم علیہ السلام<sup>۱</sup>. البتہ در روایتی کہ در کتاب مناقب آمده است «والفجر» به حضرت پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و «الوتر» به حضرت قائم علیہ السلام تفسیر شدہ است<sup>۲</sup> ولی بارہا گفتہ ایم کہ اینہا در واقع مصادیقی از آیات است کہ توسط ائمہ علیہم السلام ارائه شدہ است و ہر کدام مرتبہ ای از یک حقیقت ہمیشہ جاوید را بیان می کند.

## آیہ بیستم:

### وَالْعَصْرِ

عصر: ۱

سوگند بہ عصر [غلبہ حق بر باطل].

بہ خاطر ویژگی خاصی کہ یک دوران خاص دارد و در تاریخ بشریت مؤثر بودہ یا خواهد بود خداوند بہ عصر قسم یاد کردہ است<sup>۳</sup> و روایاتی نیز در این زمینہ وارد شدہ است، در جلد دوم کمال الدین از امام صادق علیہ السلام می خوانیم: «العصر» عصر خروج قائم علیہ السلام است (قال علیہ السلام: «العصر» عصر خروج القائم علیہ السلام)<sup>۴</sup>. و روایات مشابهی در کتب حدیثی و تفاسیر وارد شدہ است<sup>۵</sup>.

**نتیجہ اینکہ:** بعضی از آیات قرآن کریم از باب تعیین مصداق کامل، در روایات ائمہ اطہار علیہم السلام بہ حضرت قائم علیہ السلام تطبیق شدہ اند کہ البتہ این بہ معنای نفی معنای ظاہری نیست، بلکہ این قرآن است کہ دارای بطون و معانی مختلفی است و ہر کس بہ تناسب میزان اعتقاد و التزام عملی بہ اسلام مراتبی از آن را درک می کند.

الحمد لله رب العالمین

۱- بحار الانوار ۲۴: ۷۸.

۲- جابر جعفی عنہ [عن الباقر] علیہ السلام فی تفسیر قولہ والفجر و لیال عشر: یا جابر «الفجر» جدی و «لیال عشر» عشرۃ ائمہ و «الشفع» امیر المؤمنین و فاطمہ و «الوتر» اسم القائم؛ مناقب ۱: ۲۸۱.

۳- تفسیر نمونہ ۲۷: ۲۹۴.

۴- کمال الدین ۲: ۶۵۶.

۵- رک. بحار الانوار ۶۴: ۵۹ و ج ۶۶: ۲۶۸؛ العدد القویة: ۶۷ و منتخب الانوار: ۱۷۹.

## کتابشناسی:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (مرحوم دشتی).
۳. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی (قرن ۶)، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۴. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۴۱۳-۳۳۶ق)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۵. الأصفی فی تفسیر القرآن، فیض کاشانی، محسن (متوفای ۱۰۹۱ق)، تحقیق: مرکز اباحت و ادراست الاسلامیه، [بی جا]، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۶. إعلام الوری، طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۰-۵۴۸ق)، تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ سوم، [بی تا].
۷. بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۱۰-۱۰۳۷ق)، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۸. بصائر الدرجات الکبری، الصفار، محمد بن حسن (متوفای ۲۹۰ق)، تحقیق: میرزا محسن کوچه باغی، طهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۴ق.
۹. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، حجتی، سید محمدباقر (معاصر)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ش.
۱۰. تاریخ تفسیر قرآن کریم، جلالیان، حبیب الله (معاصر)، تصحیح و تعلیق: محمد رضا آشتیانی، [بی جا]، اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش.
۱۱. تاریخ قرآن، معرفت، محمدهادی (معاصر)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۱۲. تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، علی حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (اواخر قرن ۱۰)، [قم]، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، سیدمحمدحسین (معاصر)، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ش.
۱۴. تفسیر جامع الجوامع، فضل بن حسن طبری (قرن ۶)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۱۵. **تفسیر الصافی**، فیض کاشانی، محسن (متوفای ۱۰۹۱ق)، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۱۶. **تفسیر العیاشی**، محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی (قرن ۳ و ۴)، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۱۷. **تفسیر فوات الکوفی**، فات بن ابراهیم (قرن سوم)، [بی جا]، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۸. **تفسیر القمی** (تفسیر علی بن ابراهیم القمی) علی بن ابراهیم (قرن ۳ و ۴)، قم، دارالکتاب قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. **تفسیر کنز الدقائق**، میرزا محمد مشهدی قمی (متوفای ۱۱۲۵ق)، تحقیق: مجتبی عراقی، [قم]، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۰. **تفسیر نمونه**، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (معاصر)، تهران، دار الکتب الاسلامی، تاریخ چاپ متفاوت.
۲۱. **تفسیر نور الثقلین**، عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی (متوفای ۱۱۱۲ق)، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۲۲. **تفصیل وسائل الشیعة**، الحر العاملی، محمد بن حسن (متوفای ۱۱۰۴ق)، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۳. **الخرائج و الجرائح**، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (متوفای ۵۷۳ق)، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۴. **الخصال**، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۳۸۱-۳۰۵ق)، [قم]، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۵. **روش شناسی تفسیر قرآن**، بابایی، علی اکبر، عزیزکیا، غلامعلی و روحانی راد، مجتبی، زیر نظر: محمود رجبی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۲۶. **شواهد التنزیل** لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت صلوات الله و سلامه علیهم، حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (قرن ۵)، [بی جا]، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۷. **الصراط المستقیم**، علی بن یونس نباطی بیاضی، زین الدین (متوفای ۸۷۷ق)، نجف، کتابخانه حیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۴ق.

۲۸. **العدد القویة** لدفع مخاوف اليومية، علی بن یوسف بن مطهر، رضی الدین (قرن ۷ و ۸)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۲۹. **غیبة طوسی** (اثبات الغیبة)، محمد بن حسن طوسی (۴۶۰-۳۸۵ ق)، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. **غیبة نعمانی**، محمد بن ابراهیم (اوایل قرن ۴)، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۳۱. **قرآن در قرآن**، جوادی آملی، عبدالله (معاصر)، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
۳۲. **الکافی**، کلینی، محمد بن یعقوب (متوفای ۳۲۹ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، [بی جا]، دارالکتب الاسلامیة- آخوندی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ق.
۳۳. **کشف النعمة** فی معرفة الائمة عليهم السلام، علی بن عیسی اربلی (قرن ۷ و ۸)، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۳۴. **کفایة الاثر** فی النص علی الائمة الاثنی عشر عليهم السلام، علی بن محمد بن علی خراز قمی (نیمه دوم قرن ۴)، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۳۵. **کمال الدین** و تمام النعمة، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۳۸۱-۳۰۵ ق)، [قم]، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۳۶. **مجمع البیان**، فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، طهران، مدیریت الترجمة و النشر رابطة الثقافة و العلاقات الاسلامیة، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۷ م.
۳۷. **معانی الاخبار**، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۳۸۱-۳۰۵ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، [بی جا]، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۳۸. **المناقب** لآل ابی طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ ق)، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳۹. **منتخب الانوار** المضية، سید علی بن عبد الکریم نیلی نجفی (قرن ۹)، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.
۴۰. **المیزان** فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمد حسین (معاصر)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، [بی تا].